

## بررسی و مقایسه آرمانشهر سهراب سپهری و پاد آرمانشهر طاهره صفارزاده

<sup>1</sup>دکتر خلیل حریری<sup>۱</sup>

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد تبریز

<sup>2</sup>محمد علی ضیائی علیشاه (نویسیده مسئول)<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد تبریز

### چکیده

آرمانشهر یا نیک شهر و دنیای وارونه آن یعنی پاد آرمانشهر یا آنچه گاه از آن با عنوان پلید شهر و دوزخ شهر نام می‌برند همواره به عنوان یکی از دغدغه‌های صاحبان خرد و اندیشه و خاصه ادبیان و شاعران بوده و حضوری پرنگ در متون ادبی داشته است. نگارندگان در این مقاله به بررسی دو مفهوم آرمانشهر و پاد آرمانشهر در شعر دو تن از شاعران نوپرداز معاصر، سهراب سپهری و طاهره صفارزاده پرداخته‌اند. به این منظور ابتدا به تبیین این دو واژه پرداخته و تاریخچه‌ای از حضور آن‌ها در متون ملل مختلف را یادآوری می‌کنند سپس به تحلیل اشعار سهراب سپهری در جهت واکاوی اندیشه آرمانشهر در شعر او پرداخته و در ادامه پاد آرمانشهر مرحوم طاهره صفارزاده را در اشعار او نشان می‌دهند. از دیگر اهداف این مقاله نگاهی غیر مستقیم به نقاط اشتراک و افتراق در دنیای مطلوب دو شاعر است  
**کلید واژه‌ها:** آرمانشهر، پاد آرمانشهر، سهراب سپهری، طاهره صفارزاده.

<sup>1</sup> - hadidi\_kh@yahoo.com

<sup>2</sup> - maziae@yahoo.com

تاریخ پذیرش

91/6/8

تاریخ دریافت

91/4/20

### پیشینه تحقیق

در ادبیات کلاسیک فارسی نمونه‌های بسیار از اشاراتی به جهان آرمانی یا آرمانشهر، می‌توان یاد کرد. از سیاوش‌گرد در شاهنامه گرفته تا اندیشه‌های آرمانی سعدی «در مجموعه مقالات کتاب ذکر جمیل سعدی» و نیز نظامی گنجوی که به صورتی مستوفا در کتاب استاد زرین کوب با نام "پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد" از آن یاد شده است.

در بعضی کتب همچون دیدار با اهل قلم، برگهایی در آغوش باد و چشمۀ روشن نیز به اختصار، آرمانشهر در شعر بزرگان ادب ایران بررسی شده است.

در زمینه ادبیات معاصر، تحقیقات از حد چند کتاب و مقاله (با اشاراتی مختصر به جهان مطلوب سپهری در یکی از شعرهایش) فراتر نمی‌رود. از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- حقوقی، محمد - شعر زمان ما<sup>3</sup>، سهراپ سپهری - نشر سیمای دانش - چاپ نهم - 1378 - تهران

2- حسینی، صالح- نیلوفر خاموش - نشر نیلوفر - چاپ چهارم - 1375 - تهران

3- آشوری، داریوش و... - پیامی در راه - نشر طهوری - چاپ اول - 1359 - تهران

در زمینه تحقیقات پایان نامه‌ای، آقایان خاکپور و محمد رضا عابدی در دانشگاه تبریز و نیز خانم ناهید حیدرزاده، بخشی از پژوهش‌های خود را به صورت کلی (و نه بررسی مفصل یک شاعر) به آرمانشهر شاعران اختصاص داده اند.

### آرمانشهر چیست؟

«مسئله تعریف آرمانشهر که مقدمه تأمل شایسته درباره این موضوع و نیز برای تلاش در راه تدوین تاریخ آن است، به اعتراف همگان، در عین حال بسیار دشوار و تردید آمیز می‌نماید. منشأ این دشواری، پدیده بسیار رایج آشتفتگی در معناست که مبتذل کردن موضوع و بیراهگی مشاجره‌های مربوط به آن تشیدیش کرده‌اند.» (روویون، 1385، 6و5).

«"آرمانشهر" معادل فارسی واژه اتوپیا که مرکب از دو واژه یونانی "topos" به معنی مکان و "ou" به معنی "نا" است. بنابر این اتوپیا یعنی آنچه در مکان نیست و وجود آن خیالی و آرمانی است. اولین کسی که این لفظ را به کار برده توماس مور (1535م) – انسان‌گرای

## 192 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

انگلیسی – است . بعد از آن ، این لفظ را به هر کتابی که یک نظام آرمانی را برای جامعه انسانی تصویر می کرد اطلاق کردند . از این قبیل است کتاب شهر آفتاد اثر " کامپانلا" (م 1639) و آتلانتیس جدید اثر فرانسیس بیکن" (م 1626) « (منتظمی، 1389 : 148)

آرمان شهر ، نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است . همچنین می تواند نمایانگر حقیقتی دست نیافتنی باشد . « پیشینه بکارگیری چنین مفهومی به هزاره دوم قبل از میلاد می رسد . مثلاً در حمامه گیلگمیش ، توصیفی از یک بهشت زمینی به دست داده شده است .» (نوشه ، 1381 : 32)

از افلاطون به عنوان نخستین فیلسوف آرمان‌گرای اندیشهٔ غرب نام می‌برند . در واقع آرمان شهر با مفهوم ایده افلاطون هماهنگی کامل دارد . این اندیشهٔ وی را می‌توان در رساله جمهوری یافت . در رساله جمهوری ، افلاطون ، سیاست را به عرصه‌های گسترده‌تری همچون دولت و قانون اساسی بسط می‌دهد . افلاطون خطوط اصلی را که برای سازماندهی یک شهر آرمانی لازم است به تصویر می‌کشد . به همین سبب از وی به عنوان بنیان‌گذار این اندیشه نام بده می‌شود .

در ایران نیز از فارابی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نظریه پردازان عرصهٔ آرمانشهری یاد می‌شود که با عنوان "مدینه فاضله" از آن یاد کرده است .

در ادبیات فارسی ، اولین رمانی که در آن موضوع آرمانشهر پیش کشیده شده ظاهراً مجمع دیوانگان (1303 ش) نوشتهٔ صنعتی زاده کرمانی است . در عرصهٔ شعر نیز رگه‌هایی از اندیشهٔ آرمان‌گرایانه را در اشعار حافظ ، مولوی و به ویژه نظامی گنجوی می‌توان یافت . این موضوع در سام نامه خواجه ، ترجمة تفسیر طبری ، کشف الاسرار و عده‌الابرار ، اسکندر نامه ، اقبال نامه و خردنامه اسکندری کاملاً مشهود است .

آرمانشهر ایرانی در ادوار مختلف به شکل‌های متفاوت ظاهر شده است . این اندیشه در دوران باستان ، جنبهٔ اساطیری داشت ، و پس از اسلام با دین ، حکمت و فلسفه ترکیب شد و شکلی جدید به خود گرفت . از شهرهای آرمانی دوران اساطیری ، گنگ دژ ساخته سیاوش و نیز کشور آرمانی و بی نقص جمشید شاه را می‌توان نام برد .

در دوران پس از اسلام ، آرمانشهر ایرانی در سه عرصه قابل بررسی است : در عرصه دین ، انتظارات و آرزوهایی که در پیرامون آن پدید آمده ، خود به اندیشهٔ آرمانشهری الهام بخشیده

است. در عرصه فلسفه، سه تن از بزرگ‌ترین حکیمان ایرانی (فارابی، ابن‌سینا و خواجه نصیرالدین طوسی) مبتکر اندیشه مدینه‌فاضله می‌باشند. عرصه سوم، الگو یا صورت مثالی آرمانشهری است که حوزه‌های دین و ادب هر دو را در بر می‌گیرد.

در عرصه دین، برداشت شیعیان از جامعه پس از ظهور حضرت مهدی (عج)، صلح و آرامش و رفاه و آسایش و برابری و برادری است. این برداشت، الهام بخش جامعه آرمانی است و حتی به آن فضیلت نیز بخشدید و شهرهایی را نام برده‌اند که اکنون وجود دارد و زیر فرمان فرزندان امام زمان است و جامعه شیعیان در آنها قرین سعادت زندگی می‌کنند. جزیره خضرا و زاهره نمونه‌هایی از این شهرها می‌باشند.

شكل وارونه جهان آرمانی نیز در ادبیات و هنر جایگاهی خاص دارد. این جهان که با پیشوند "پاد" در کنار آرمانشهر، قرار دارد واژه‌ای جدید می‌سازد و دربردارنده ویژگی‌های جهانی است که در تقابل کامل با آرمانشهر می‌باشد. از آن، گاه با عنوان پلید شهر و گاه دوزخ شهر نیز نام برده شده است.

در داستان‌های علمی - تخیلی، جوامع پادآرمانی جوامعی تخیلی هستند که در آن‌ها ویژگی‌های منفی، برتری و چیرگی کامل دارند و زندگی در آن‌ها دلخواه هیچ انسانی نیست. این جوامع، گونه‌ای دنیا و انسا و فاجعه بار انسانی هستند و در زمان‌هایی بد و شوم ترسیم می‌شوند که می‌توان آن را دوره بدمانگی یا دُزگاهی نام گذاشت.

با این تعریف، یک جامعه پادآرمانی نقطه مقابل و وارونه یک جامعه آرمانی (آرمان‌شهر) است.

برخی از موضوعات پادآرمانی محبوب در داستان‌ها عبارت‌اند از:

- جامعه‌ای که در آن هیچ آزادی وجود ندارد (حتی آزادی‌های کوچک شخصی) و حکومتی تمامیت‌خواه بر همه‌چیز انسان‌ها حکم می‌راند.

- جامعه‌ای که توسط رایانه‌ها و ربات‌ها اداره و کنترل می‌شود.

- داستان‌هایی درباره سرنگونی امپراتوری‌های جهان در آینده.

- جامعه‌ای که در آن همه‌چیز و همه‌کس همانند و یکسان است و ابراز احساسات و نمایاندن جنبه‌های فرهنگی ممنوع است.

- جامعه‌ای که در آن انسان‌ها تنها نقش خوراک برای موجودات دیگر را دارند یا اینکه انسان‌ها را برای برداشت اندام و احشاء آن‌ها پرورش می‌دهند.

## 194 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

- جهانی که در آن در پی جنگ هسته‌ای، بیماری یا فاجعه‌ای دیگر، نسل بشر تقریباً برافتاده است.

کتاب‌های معروف این نوع اندیشه عبارت‌اند از :

1984 نوشتۀ جرج اورول

فارنهایت 451 نوشتۀ ری بردبری

در شعر شاعران نوپرداز ایران ، به هر دو نوع از این جوامع برمی‌خوریم . در این نوشتار، به ارائه یک نمونه از آرمانشهر و پاد آرمانشهر اکتفا می‌شود :

### الف - سهراب سپهری - آرمانشهر و آرمان ده

سپهری در تقسیم بندی نحله‌های فکری شاعران نوپرداز در گروه شاعرانی قرار می‌گیرد که شعرش علی‌رغم نگاهی اجتماعی به دنیای اطراف، رگه هائی از عرفان خاص را در بطن خود نهفته دارد و طبیعتاً آرمانشهر او نیز از این مشرب فکری تأثیر پذیرفته است. اما عرفان سهراب، از نوع عرفان دست و پاگیر و محصور در چهارچوب‌های تنگ صوفیانه و یا روابط پیچیده مراد و مریدی نیست، بلکه بسیار ساده، فراگیر، اجتماعی و قابل استفاده تمام جوامع و اجتماعات بشری است .

بسیاری، اندیشه سپهری را به اندیشه‌های عرفانی شرق آسیا به ویژه تفکرات بودایی نزدیک می‌دانند. داریوش آشوری در این مورد چنین می‌نویسد :

«طبیعت ستائی سپهری به ظاهر چیزی از طبیعت ستائی رومانتیسم اروپائی ( مثلًاً از روسو تا آندره ژید) در خود دارد اما ریشه‌اش از درونمایه‌ای عمیق‌تر آب می‌خورد و آن عرفان شرقی است. اما ظاهراً از عرفان خاور دور ( چین و ژاپن ) بیشتر مایه پذیرفته است تا عرفان اسلامی و ایرانی. خدائی که او به آن ایمان دارد آن خدائی نیست که عارفی از شوق دیدار و تب عشق او در حالت سمع سر از پا نمی‌شناسد.» ( آشوری، 1359: 26)

بر مبنای همین تفکر ، منتقدانی چون رضا براهنی این اندیشه سپهری را مورد سرزنش قرار داده‌اند، اما نگاهی به آثار متعدد شعری سهراب ، نشانگر آن است که او به جهانی با روابط ساده انسانی و نیز روابط تعامل گونه انسان و طبیعت معتقد است. او شاعری است که طبیعت را نه ابزاری در دست انسان بلکه همراه و همدم تمام لحظات زندگی بشری

می داند و باکی از این ندارد که در تقسیم بندی های رایج منتقدان، اشعار او در جرگه آثار مذهبی قرار گیرد یا طبیعت گرایانه صرف.

### آرمانشهر سپهری

سپهری همچون تمام صاحبان اندیشه ، دنیای فعلی را کامل و بی نقص نمی داند لذا به دنبال جهانی است که کمبودها و نواقص این جهانی در آن راه نداشته باشد .

آرمانشهر سپهری را می توان در دو بخش کلی طبقه بندی کرد :

الف- دنیابی آرمانی و دلپذیر که ریشه در گذشته زندگی بشری دارد و از دو جنبه‌ی مهم، قابل تأویل و تفسیر است. گروهی این توصیف سهرباب از آرمانشهر از دست رفته را جهان معنایی می دانند که قرن‌ها پیشتر ، مولوی نیز بدان اشاره کرده بود :

«ما ز بالاییم بالا می رویم      ما ز دریائیم دریا می رویم»

هم ازینجا و از آنجا نیستیم      ما ز بی جائیم ، بی جا می رویم» (مولوی، 371:1374)

و یا نیستانی که نی وجود انسان از آنجا بریده شده است :

«کز نیستان تا مرا ببریده اند      از نفیرم مرد و زن نالیده اند....»

... هر کسی کو دور ماند از اصل خویش      باز جوید روزگار وصل خویش» (مولوی، 1,1362)

این گروه ،جهان مطلوب از دست رفته مورد نظر سپهری را همانجایی می دانند که در تفکرات دینی از آن با نام بهشت یاد شده است و حضرت آدم (ع) به نمایندگی از بشر، در هبوط مشهورش، آن را از دست داده، از آنجا رانده شده و به زندگی در پهندشت رنج آور زمین مجبور گردیده است.

صالح حسینی در توضیح باغ شعر صدای پای آب و تأویل عبارت "باغ ما در طرف سایه دانائی بود " چنین می نویسد :

«چه در تورات و چه در قرآن، انسان نخستین، پیش از هبوط، در بهشت سعادت زندگی می کند زیرا از میوه ممنوعه نخورده است. میوه ممنوعه رمز دانائی است. پس قرار داشتن باغ در طرف سایه دانائی بر بهشت دلالت دارد» (حسینی، 1375: 27)

اما به نظر می رسد سهرباب در این اشاره نوستالژیک به زندگی ساده و بی آلایش انسان اولیه، چندان مفهوم بهشت یا پر迪س به معنای رایج دینی را در نظر نداشته است، اگرچه

## 196 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

مشابهت‌های فراوانی می‌توان بین بهشت موعود و باغ موصوف سهراب پیدا کرد. او از این دوره زندگی بشری با ویژگی‌های فراوان یاد می‌کند. مکان رویائی و حسرت بار سهراب، باغی است که بشر اولیه در همین جهان مادی و نه جهان معنا، به دور از پیچیدگی‌های رایج، در آن سکونت داشته است. سهراب از آن روزها چنین یاد می‌کند :

1- انسان گرفتار تارهای نامرئی دانش غیر کاربردی و نا سودمند نبود :

«باغ ما در طرف سایهٔ دانایی بود» (سپهری، 1377: 275)

2- انسان با تمام عاطفه و حس انسانی ، با طبیعت در ارتباط بود :

«باغ ما ، جای گره خوردن احساس و گیاه» (همان)

3- انسان‌ها احساس خوشبختی می‌کردند :

«باغ ما شاید، قوسي از دایرهٔ سبز سعادت بود» (همان)

4- بشر در بهره‌گیری از نعمت‌های الهی ، به دنبال استدلال‌های پیچیده نبود :

«آب بی فلسفه می‌خوردم ، توت بی‌دانش می‌چیدم» (همان)

5- بهره‌گیری از طبیعت، صحیح و به اندازهٔ نیاز بود. تنها زمانی انسان از نعمت‌ها استفاده می‌کرد که زمان بهره‌گیری فرا برسد :

«تا اناری ترکی بر می‌داشت دست فواره‌ی خواهش می‌شد» (همان)

6- انسان در مقابل هر زیبائی ، عکس العمل نشان می‌داد :

«تا چلوئی می‌خواند ، سینه از ذوق شنیدن می‌سوخت» (همان)

7- رفتارهای تناقض آمیز در نهاد بشری جایگیر نشده بود :

«شوق می‌آمد دست در گردن حس می‌انداخت» (همان)

8- سرانجام اینکه زندگی به پاکی حیات کودکان و معصومیت رفتارهای آنان بود . آزاد و دلنشیں :

«« زندگی در آن وقت ، صفائی از نور و عروسک بود »

«یک بغل آزادی بود »

«زندگی در آن وقت ، حوض موسیقی بود» (همان)

ب - آرمانشهر سپهری که جائی در آینده زندگی بشری دارد . سپهری اصرار بر آن ندارد که لزوماً محل آرمانشهر روستا یا شهر باشد چرا که از هر دو ناحیه جغرافیایی به عنوان جهان مطلوب یاد می‌کند :

۱- آرمان<sup>۵۵</sup> - که سپهری از آن با عنوان "ده بالا" و از مردمان آن با لفظ "مردم بالا" دست "یاد می‌کند. سپهری در این جهان آرمانی از انسان‌هایی یاد می‌کند که با خدا ارتباطی ساده و بی‌آلایش دارند و خدا مهمان خانه آن‌هاست ، با آن‌ها رفت و آمد دارد و همیشه می‌توان نشانه‌هایی از خدا را در زندگی مردم دید :

«بی گمان پای چپرهاشان جا پای خداست» (سپهری، 1377:347)

- کلام و سخنšان صریح و روشن است :

«ماهتاب آنجا ، می‌کند روشن پهنانی کلام» (همان، 347)

- ارتباطی صمیمانه بین مردم وجود دارد و فاصله‌ها و جدائی‌های رایج در زندگی مادی زده شهری در آنجا مشاهده نمی‌شود :

«بی گمان در ده بالا دست ، چینه‌ها کوتاه است» (همان)

- انسان‌ها و موجودات ، استحاله نیافته و شکل اولیه و سرشتین خود را حفظ کرده‌اند:

«بی گمان آنجا آبی ، آبی است» (همان)

- انسان ، ارتباط پر معنا با طبیعت دارد :

«غنچه‌ای می‌شکفده ، اهل ده باخبرند»

«مردمان سر رود ، آب را می‌فهمند» (همان)

از نظر راونشناختی ، تمام گزاره‌های موجود در شعر سهرباب ، دل مشغولی‌ها و دلتنگی‌های او را در این دنیای ماشینی به صورتی غیر مستقیم نشان می‌دهد . او از گسست رابطه انسان و خدا ، دورویی‌ها و سخنان کنایه آمیز ، تزویرها و قطع رابطه انسان با طبیعت ، رنج می‌برد و در جستجوی جهانی آرمانی است که نقص‌ها و عیوب‌های مذکور ، در آن وجود نداشته باشد .

شعر مورد اشاره که در کتاب حجم سبز سپهری قرار دارد از نظر خانم سیمین بهبهانی چنین توصیف شده است :

## 198 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

«در شعرهای حجم سبز، غالباً دو رؤیا، گاه این و گاه آن حضور دارد؛ یکی تصویر آرمانشهر و دیگری تجسم نیروانه، و شگفت اینکه این دو ناساز، زمان به زمان، ذهن او را به خود مشغول می‌دارند. هم آرامش نیروانه را در همین عالم پر رنج میسر می‌پندارد و هم ضوابط آرمانشهر را در خیال خود، بنیان می‌نهد» (حقوقی، 1378: 303)

2- آرمانشهر - که بر خلاف شعر "آب را گل نکنیم"، سهرباب از آن با عنوان شهر یاد می‌کند. آرمانشهر او در دوردست‌ها جای دارد و برای رسیدن به آن، انسان نیازمند تلاش و کوشش است. او باید قایقی بسازد و با به دست آوردن ابزار حرکت و صیروت، خود را به جهان آرمانی‌اش برساند.

سپهری با یادکرد کلمه "دریا" در مصراج "پشت دریاها شهری است" نشان می‌دهد که آرمانشهر مورد نظر او، دورتر از آن است که با چند روز پیمودن، بتوان به آن رسید. ویژگی‌های شهر مورد نظر سپهری در شعر "پشت دریاها" به ویژگی‌های شعرهای دیگرش نزدیک است و این نشانگر آن است که آرمانشهر او صرف نظر از شهر یا ده بودن، دارای خصوصیاتی بسیار شبیه به هم است:

- انسان‌ها به میل و اختیار خویش، مسیر تجلی و عرفان را می‌پیمایند:

«پشت دریاها شهری است که در آن، پنجره‌ها رو به تجلی باز است» (سپهری، 1377: 364)

- انسان به حداقل توانایی‌های هوشی خود دست یافته است اما موجودات دیگر نیز همپای انسان‌ها، پیشرفت کرده اند:

«بام‌ها جای کبوترهایی است که به فواره هوش بشری می‌نگرند» (همان، 364)

- معرفت و شناخت، تنها در اختیار قشر و طبقهٔ خاصی نیست:

«دست هر کودک ده ساله شهر، خانهٔ معرفتی است» (همان)

- میان انسان و طبیعت، تعاملی احترام آمیز وجود دارد:

«مردم شهر به یک چینه چنان می‌نگرند / که به یک شعله، به یک خواب لطیف»

«خاک، موسیقی احساس تو را می‌شنود» (همان، 365)

- انسانها به مرحله‌ای از تکامل رسیده‌اند که خورشید را با تمام وسعتش درک می‌کنند:

«پشت دریاها شهری است / که در آن وسعت خورشید به اندازهٔ چشمان سحرخیزان است» (همان)

- شعر مدحی و فاقد اندیشه از دیوان شاعران رخت بربسته و آنها در اشعار خود ، پاکی‌ها ، آگاهی‌ها و شناخت‌ها را منتقل می‌کنند . آنان حاملان معرفت هستند :

« شاعران وارث آب و خرد و روشنی اند » (همان)

- برای رسیدن به این جهان آرمانی ، دست روی دست گذاشتن و حسرت خوردن کافی نیست . سپهری راه رسیدن به این آرمانشهر را نیز به ما نشان می‌دهد :

« پشت دریاها شهری است / قایقی باید ساخت » (همان)

نویسنده‌ای در مورد یکی از موارد احتمالی اشکال به این آرمانشهر سپهری می‌نویسد:

« در آرمانشهر سهرباب مسئله برابری انسانها صراحتاً مطرح نمی‌شود و از فاصله طبقاتی که از نشانه‌های اصیل ناکجا آباد است سخنی به میان نمی‌آید اما در جان شعر ، برابری و برادری موج می‌زند ... چرا که در شهری که پشت دریاهاست و وسعت خورشید به اندازه چشمان سحرخیزان است و حتی کودکان شهر هم اهل معرفتند و شاعران شهر هم وارث آب و خرد و روشنی ، پس چون که صد آمد نود هم پیش ماست » (امیری اسفندقه ، 1384: 17)

### ب - طاهره صفارزاده و پاد آرمانشهر او

طاهره صفارزاده (1315 – 1388) از شاعران زن توانمند معاصر است که اندیشه‌های مذهبی و دینی را از سال‌ها پیش از ظهور انقلاب اسلامی وارد حوزه شعر کرده است. او در سال‌های دهه چهل به گونه‌ای خارج از نُرم و روال آن سالیان، از مفهوم انتظار سخن می‌گوید:

« تو نمی‌آیی و قلب کوچه / پاسبانی تنهاست / و سکوتی عایق / به لب پنجره‌هast / تو نمی‌آیی و شب / می‌گذارد آرام .... / تو نمی‌آیی و من / مثل یک میوه کال / و نخستین دم یک دیدار / به سراجام می‌اندیشم » (صفارزاده، 1386: دفتر دوم، 30)

اما صفارزاده این تفکر عمیق را به سادگی به دست نیاورده است. شعرهای صفارزاده اصولاً در آغاز راه شاعرانگی‌اش بیشتر بر محور مسائل شخصی، خواه خانوادگی و یا اخلاقی می‌چرخد. همان‌گونه که خود اعتراف می‌کند، در نخستین سال‌های شاعری‌اش، دیدی محدود و کمتر سیاسی داشته است . گلایه از همسر جداشده ، تحقیر شوهر بخاطر اینکه لیاقت زنی چون او را ندارد و گاه قدم زدن در حیطه عشقی سطحی، حداکثر تلاش او در رسیدن به مفاهیم شعری است . خود ایشان در این زمینه می‌گوید:

## 200 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

«تا آن زمان که من خیلی جوان بودم و شعرهای احساسی و ظریف و زنانه و یا اجتماعی ساده می‌گفتم سخت مورد اقبال رسانه‌های گروهی بودم و به عنوان یک استعداد کشف شده مهم مورد تشویق قرار می‌گرفتم» (صفارزاده، 1386<sup>مردان منحنی، 71</sup>)

صرف نظر از دیگر اندیشه‌های شاعر، یکی از عناصر پر رنگ شعر او تصویر پاد آرمانشهر یا پلید شهری است که جابه‌جا و در طول سالیان دراز عمر هنری‌اش به آن پرداخته است. او گاه به طور مستقیم و گاه در توصیف دنیای ستم زده عصر خود به ویژه جامعه استبداد زده ایران در آن سال‌ها و به صورت غیر مستقیم به تشریح این پلید شهر می‌پردازد.

در شعری به نام "مرز تصویر" ابتدا به ترسیم جهان پاد آرمانی‌اش در آن سال‌ها می‌پردازد:

«قورباغه‌ها / در باغ کوچک همسایه / خوابشان را تعریف می‌کنند / بیداری من / با هیچ کلمه‌ای تسکین پیدا نمی‌کند» (همان، دفتر دوم 21)

سپس توصیفش وضوحی بیشتر پیدا می‌کند:

"نجوای بچه‌های محله لو حرف نان آرامش مردابی تل خاکروبه را آواره می‌کند" (همان، 21)

و آنگاه آرزویش را بیان می‌کند:

«روزی بر این درخت لریسمانی می‌روید / با میوه‌های سخت / بر روی این درخت / سرهای خواب رفته / فانوس می‌شوند / ... / در مزرعه / دستان پینه بسته / اوراد گنگ عدالت را / پرواز می‌دهند» (همان، 21 و 22)

در همان سال‌ها، اما صفارزاده از پرداختن به پاد آرمانشهر زنانه نیز غافل نیست. او در شعر "زادگاه" به محل تولدش (سیرجان) به عنوان نمادی از یک شهر کوچک با باورهای سنتی و گاه عامیانه و ضد زن می‌پردازد و از اینکه به هنگام زاده شدن دختران، قابل‌های شرمنده و مادران دختر را، سر به زیر هستند اعتراض می‌کند و به عنوان اولین گام در مبارزه با این تفکر، به هنگام دیدار نخستینش از زادگاه چنین می‌سراید:

«در اولین زیارت از زادگاهم / نگاه شرم‌سار مادرم را / از دیوارها می‌زدایم / و آنجا که نبضم آشکارا کوپتن آغازید / اقرار می‌آغازم / در دستهای روشنم / شهوت گره شدن و کوبیدن نیست / عربده نمی‌کشم / افتخار کشتن انسانها را ندارم / که بر سفره برتری آدم‌های نر / پروار نشده ام» (همان، 24 و 25)

در کتاب طنین در دلتا، صفارزاده شرایط موجود زمانه‌اش (سال‌های 47 تا 49 شمسی) را چنین نامطلوب توصیف می‌کند:

بررسی و مقایسه آرمانشهر سه راب سپهری و پاد آرمانشهر طاهره صفارزاده 201

« شهر در خواب است / در شهر خواب است / در شهر / در شهر خواب است /  
شهر در خواب است / خواب است / خواب است / خواب » (صفارزاده، 1357: 60)  
و در شعری دیگر چنین می‌گوید :

« بوی سوختن / بوی عود / بوی عود را شنیده بودم / بوی سوختن استخوان و عود را /  
نه / این خانه چقدر شبیه قلعه است / یک سوی رودخانه و سه سوی دیوار / در شهر شما  
عجب قلعه فراوانست » (همان، 61، 62)

او خواسته‌هایش را که در پاد آرمانشهرش نمی‌یابد گاه از زبان یک شاعر بیان می‌کند :

« گاهی دلم برای یک روشنفکر تنگ می‌شود » (همان، 66)

که به یقین الهام بخش شعر معروف غزل‌سای معاصر محمد علی بهمنی با عنوان " گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود " بوده است .  
و گاه از زبان یک زائر زن می‌گوید :

« اما من زن آزمندی را می‌شناسم / که چون دستش به ضریح برسد گریه خواهد کرد /  
و خواهد گفت / یا رب نظر تو برنگردد » (همان، 82)

در شعرهای مجموعه مردان منحنی که متعلق به سال‌های 49 تا 57 شمسی است،  
صفارزاده همچنان از پاد آرمانشهرش سخن می‌گوید و از زندگی در کنار انسان‌های زشت‌خو  
ناراضی است :

« این زندگی / با مردم معاویه و مأمون / چه فایده‌ای دارد / در بین یاوران یزید / در بین  
چاکران شقاوت؟ » (صفارزاده، 1386: 16)

صفارزاده در شعرهای مجموعه سفر پنجم (شعرهای سال‌های 51 تا 56) همچنان به  
باورهای قبلی خود پایبند است. او از یک سو شرایط موجود زمانه‌اش را نامناسب می‌داند :  
« در این سکون سکوت آلود / پیکار پلکان را / یاران / با رنج این خبر سال‌های سال /  
تکرار می‌کنند / امروز هم هوا دوباره گرفته است / امروز هم هوا دوباره خراب است » (صفارزاده،  
86، 1357)

اما همچنان امیدوار است :

« نشسته‌ام به وسعت قبر / و منتظرم / که دست رهگذری / ادامه دستانم باشد / و قفل  
خانه را بگشاید » (همان، 85)

و حتی یک سبزه را نماد آزادی می‌داند و می‌بیند :

## 202 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

«آن سبزه / کز ضخامت سیمان گذشت / ... / آن سبزه رویش آزادی / آن سبزه / آزادی بود » (همان، 87)

در کتاب بیعت با بیداری که در سال‌های 56 تا 58 سروده شده است همچنان رگه‌هایی از پاد آرمانشهر او دیده می‌شود؛ جهانی که جز درد، خبری در آن نیست:

« و سمپاشان / چه سربلند و / چه گستاخ / قدم به سوی تو بر می‌دارند / ... / هوا پر از درد است / هوا پر از بیماری » (صفارزاده، بیعت با بیداری، 1386: 11 و 12)

یکی از شعرهای شاخص صفارزاده در تبیین جهان پاد آرمانشهر، که به گونه‌ای غیر مستقیم [اگر شکل وارونه گزاره‌ها را در نظر بگیریم] نشانگر دیدگاه‌های او در مورد دنیا مطلوب و آرمانی نیز هست شعر "شب‌های برره" است. صفارزاده بسیاری از ویژگی‌های پلید شهر یا پاد آرمانشهر را در این روستا شهر (که در مجموعه فیلمی با همین عنوان در سال‌های آغازین دهه هشتاد هجری شمسی در تلویزیون نمایش داده شد) می‌یابد و آن را کاملاً منطبق بر جهان امروزی می‌داند :

« این دهکده / پایین و بالایش / جهان امروز است / باور کنید » (صفارزاده، 1386: از جلوه‌های، 26)

ویژگی‌هایی که برای این روستا شهر پاد آرمانی در شعر صفارزاده می‌توان بر شمرد از این قرار است :

1- ذهن‌های اهالی آن پریشان و نفس‌هایشان سرکش است و برده مادیات هستند :  
« این صاحبان ذهن‌های پریشان / نفس‌های سرکش / تنها در پیشگاه پول / در پیشگاه پیل ( واژه‌ای که برره‌ایها به پول داده اند ) / که فیل جاذبه هاست / رام می‌شوند / تسليم می‌شوند » (همان، 25)

2- سلطه جاهلان بر دانایان :

« حذف گلوی فطرت / طرد مدار دانایی / بازار رشوت و رانت را / سامان بخشیده / بر ناتوان شدن آن خوبان / صدای فطرت / گردش آگاهی / که محتوای گوهر وجودان هستند / باید گریست » (همان، 27)

3- به جای کار مفید، همه در فکر دزدی و چپاول هستند :

« کمبود کار نیست / کار فراوان سنت / دست‌ها / بیکار نیستند / مدام / در جیب‌ها / جیب برادر و همسایه / هموطن / سرگرم کند و کاوند » (همان، 28 و 27)

4- رواج چاپلوسی :

«الفاظ پوج / القاب چاپلوسانه / سلامهای طمع کارانه / شایسته همین زمان است / ... / [ساکن ده مزبور] بیهوده می‌گوید / بیهوده می‌خندد / و شاعر ظرفیکار / با طنّازی / از هیچ و پوج / بدیهه می‌پردازد» (همان، 28)

5- رابطه‌ها جای ضابطه را می‌گیرند:

«وقتی که داوری‌ها / در پستوی مخفوف قول و قرار / از نور عدل / دور می‌شوند» (همان)

5- مزدور پروری :

«وقتی که اهل ایمان منتظر عدالت / و آمدن عادل هستند / سالارهای ستم / مزدورهای خطاکار را / در حرفة ستمکاری / می‌پرورانند / پروار می‌کنند» (همان، 29)

6- بی اثر ماندن تلاش‌های رهبران فکری جامعه :

«گام پیمیران / در کوچه‌های جهل امت / بی رنگ مانده / و اهل قریه / از سرعت سرایت بیماری / بیماری ندانستن / جسدۀائی مقام پرست شدند» (همان)

7- غلبهٔ مادیات بر معنویات :

«روح / این عنصر الهی / که از معنا نیرو می‌گیرد / از کثرت تلاش‌های مادی ذهن / در وجود یکایک / به تنگ آمده / در تلخی خمودی و خاموشی / فرو رفته است» (همان، 30)

8- رواج عادت‌های زشت و مذموم :

«بیهوده حرف می‌زنند / بیهوده می‌خندند / در عرصه‌های سود پرستی / دروغ و تهمت و فحش / خنجری است / که آزادانه / از زبان آنان / بیرون می‌زنند / در پشت هر مخالف با نادرست / حتی هر خویشاوند / فرود می‌آید» (همان، 30)

9- حاکمیت وهم به جای خرد :

«اندیشه و خرد / هرگز مزاحم آنان نبوده اند / وهم و خیال، خاطرشنان را / خوشنود کرده است» (همان، 31)

10- میان حاکمان و توده مردم رابطهٔ درستی برقرار نیست :

«ژاندارم و بخشدار / سalar و سردار / در ضرورت پیشامدها / بهانه مردم را پیش می‌کشند / و مردم / فیل جاذبه را / پول را / در گامهای نامبارک آنان ذبح می‌کنند» (همان، 31)

11- فرمانروایان، به شایستگی بر اریکه قدرت تکیه نزده اند و این ویژگی‌ها را دارند:

الف- «بالای خط ثروت ایستاده اند / ترس از خدا ندارند» (همان، 32)

## 204 فصل نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»

- ب - «گردشگران جهانی خالق را / سونامی و سیل و زلزله و طوفان را / نمی‌بینند» (همان، 32)
- ج- صدای دکّاً دکّای زمین را نمی‌شنوند / چرا که دستیار ستم هستند» (همان، 32)
- د - «از برکت کلیدسازی پول / از نقشه‌ای به نقشه‌ی دیگر / دنبال قفل‌های باز شده در حرکتند / و کار اصلی‌شان نقشه‌پروری است» (همان، 32 – 33)
- ه- «جهان اجیر ستمکاران / زورگیران / پول پرستان است» (همان، 33)
- و- «جامدهای رنگارنگ / تن پوش‌های سالاریان / زود به زود عوض می‌شوند / نو می‌شوند / اما مرام آنها / همان قدیمی / همان کهنه / همان مطالبه پول است / با حربه تقلب و زور» (همان، 33)

### نتیجه گیری:

سهراب سپهری و طاهره صفارزاده، دو شاعر صاحب درد و دغدغه، هر یک از زاویه‌ای خاص به ترسیم آرمانشهر شخصی خود پرداخته اند. سپهری با دیدی انسان‌گرایانه و کلی نگر به آرمانشهری اشاره می‌کند که فارغ از نشانه‌های جغرافیائی، خواه روستا و خواه شهر، رابطه‌ای منطقی و صحیح میان انسان و خدا و نیز انسان با انسان و انسان با طبیعت در آن حاکم است. این آرمانشهر سهراب، گاه ریشه در گذشتۀ بی‌رنج انسان دارد و گاه در آینده‌ای دور.

صفارزاده نیز از زاویه‌ای دیگر و با ترسیم پادآرمانشهرش که رنگ و لعابی اجتماعی‌تر دارد به توصیف آرمانشهر مورد نظرش از طریق برهان خلف می‌پردازد. در جهان مطلوب او نیز اندیشه و خرد و آزادی انسان، مهم و مقدم است و صد البته همچون سپهری با اندیشه‌ای دینی به جهان می‌نگرد اگرچه تفاوت‌های میان تفکر او و سپهری هست.

کتاب نامه:

- آشوری، داریوش. 1359. *پیامی در راه*. چاپ اول. تهران: طهوری.
- امیری اسفندقه، مرتضی. 1384. *نشریه شعر*. سال سیزدهم. شماره 43.
- انوشه، حسن 013810 *دانشنامه ادب فارسی* جلد دو، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- حسینی، صالح. 13750. *نیلوفر خاموش*. چاپ چهارم. تهران: نشر نیلوفر.
- حقوقی، محمد. 1378. *شعر زمان ما*. ج ۳. چاپ نهم. تهران: سیماهی دانش.
- روویون، فردیک. 1385. *آرمانشهر در تاریخ اندیشه غرب*. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- سپهری، سهرباب. 1377. *هشت کتاب*. چاپ بیستم. تهران: نشر طهوری.
- صفارزاده، طاهره. 1386. *دفتر دوم*. چاپ پنجم. تهران: نشر هنر بیداری.
- . 1357. *حرکت و دیروز*. چاپ اول. تهران: نشر رواق.
- . 1386. *مردان منحنی*. چاپ دوم. تهران: نشر هنر بیداری.
- . 1386. *بیعت با بیداری*. چاپ چهارم. تهران: نشر هنر بیداری.
- . 1386. *از جلوه های جهانی*. چاپ اول. تهران: نشر هنر بیداری.
- منتظمی، علی و دیگران. 1389. *مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد*.
- سال اول. شماره 165/2/2
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی. 1374. *کلیات دیوان شمس تبریزی*. به اهتمام منصورمشقق. تهران: انتشارات صفوی علیشاه.
- . 1362. *مثنوی معنوی*. چاپ نهم. تهران: نشر امیر کبیر.



## Scrutiny and Comparison of Sohrab Sepehri's Utopia and Tahere Saffar zadeh,s Antiu topia

*Khalil Hariri, Ph.D*

Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch,  
Islamic Azad University, Tabriz, Iran  
*Mohammad Ali Ziae Alishah.Ph.D*

### Abstract

"Utopia" or "My City" and the inverted world of the "anti-utopia" or what is sometimes known as "city of evil" and "Hell Town" brand name, always as one of the concerns of the thinkers, Literary men and poets has been present in literary texts. This article reviews the concept of "utopia" and "anti-utopia" in, two of the modern contemporary poets, "Sohrab Sepehri" and "Tahere. Safarzadeh" deals. To do this, first the explanation of these two words and a history of their presence in the texts of different nations have been dealt with. That we have analyzed the poems of Sohrab Sepehri regarding the idea of searching for utopia, and continued to deal with anti-utopia in Late Tahere Saffarzadeh's Poems. The final purpose of the article has been an indirect glance at the similarities and differences between the favorite world of the two poets.

**Keywords:** utopia , antiutopia, Sohra Sepehri ,Tahera Saffar zadeh

## The Study of common theosophical Terms in Hadiqat ol-Haqiqeh and manaqeb ol-Arefin

*Sareh Yazdanfar, Ph.D Candidate*

Department of the Persian Language and literature, Hamedan  
Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

### **Abstract**

Theosophy is a deep sense of God in humble person inside and submitting to Him and adoration to Him heartedly.

Sanaei and Molavi are of the greatest theosophists and fascinated by the devine love. Sanaei is the father of theosophical literature in Persian poem that for the first time has compounded theosophical purports with slangy culture and allegorical tales and has presented most of the teachings of Sufism with a beautiful expressions and Molana is a lovelorn pious highborn, and humble person who was a slave of love and left his liberty and sang a pauper song for many years.

This paper is purposed to study the common terms of theosophy (including love, doom, perpetuity, inducement and attempt, manifestation, pantheism, scare and hope, observation and amour). In Sanaei's Hadiqat ol-haqiqeh and Aflaki's Manaqeb ol-Arefin.

**Key words:** Hadiqat ol-haqiqeh, Manaqeb ol-Arefin, theosophy.

## The Attitude Foundations of Islamic Gnosticism in Hafez's Work

*Mehdi Sharifian, Ph.D*

Avecinna University, Hameadan, Iran

### Abstract

Khwajeh Shams Al-Din Mohammad Shirazi is one of the famous poets in the Persian literature. He has been known as the leading poet of Iran, especially in the recent half century. Undoubtedly, Hafez's work is one of the unparalleled ancient literary monuments of Iran that stands out together with other Persian verse and prose texts such as Ferdowsi's shahnameh, Sa'di's works, Moulana's couplets and sonnets as well as Nezami's Khamseh—that are the pillars of Iranian ethnicity and nationality—among the world's ancient literature. Hafez's ontological seeking and attitude, in some centuries ago, have been so sound, Vigor, and unified that give way for further sociological, philosophicas, and literary studies in the work of this great Persian poet. In the present article, using analytical-descriptive method. And via a different angle of vision, Hafez's sonnets have been analyzed relying on Islamic art focusing on the five categories of Quranic verse attitude, praising attitude, justice in being system, an ideal picture of the eternal world, utopia, and the place of human in the pure Islamic Gnosticism.

**Key words:** Islamic Gnosticism, Quranic verse attitude, praising attitude, justice, eternal World, utopia, human and Hafez

## Hussein Monzavi's Innovations in Sonnet

*Javad Taheri, Ph.D*

Department of Persian language and Literature, Takestan Branch, Islamic  
Azad University, Takestan, Iran  
*Somayeh Soleymani*

### **Abstract**

Monzavi is one of the main innovators of new Lyric considering the values, outstanding and unique capabilities of classical poetry, he has ornamented his poetry with the techniques and delicacies of the modern Poetry. In composing his sonnet, he has used the techniques and innovations which distinguish the appearance of traditional Lyricism and created lyric poem in a new Way of singing. This article intends to review innovations and special features of his poems

**Key Word:** poetry, sonnet, innovation

## Moral teachings of Sleep and Dreams and Its Impact on Mystic's Character Development

*Mansour Pirani, Ph.D*

*Payame Noor University of Ghazvin*

*Fatemeh Azimi*

*MA Student of Payame Noor University of Ghazvin*

### **Abstract:**

The purpose of this paper is firstly to show that dreams are not futile, because they are fed from a noble and ancient source on the one hand, and come from a mythical time and on the other hand. They are having a spiritual color and they are valuable. So unlike vulgar imaginations, dreams are not meaningless and futile. But the dreams are full of moral values and teachings. And also dreams have effects on different functions, including changing the character, views, and consequently dreams change the life principles. Secondly, it is shown that, depending on the dreams, the concepts of them are different. If the dream is the Azghas Ahlam type, various factors are involved in creating and shaping it, so it can be the reflection of daily activities. If your sleep is a kind of Sadegheh, then there is surely interpretation of it. And the purpose of dream is beyond its formation and carries a message from the unconscious that necessarily assign duties to us. In this article it has also been shown that the distortion and individual interpretation of dream do not change the truth of it.

**Keywords:** Sleep and dream, Imagination, revelation, apocalypse, inspiration, legend

## The Reflection of Holy Prophet's Heavenly Ascension in Persian Poem from the Beginning to the End of the ٨th Century

**Majid Hajizadeh, Ph.D**

*Department of Persian Language and Literature, Kerman  
Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran*

### **Abstract**

Although speaking about celestial ascension of the latest prophet is possible, but it seems so difficult. A travel as if has happened in a universe beyond time and place. Ascension is the story of traveling of mankind to the celestial world, a mankind who is the best creature of the universe, and God the creator of being, after his creation, named himself with this adjective: "the best of creators". A person who is surprising and two dimensional, from the one hand is celestial and from the other hand telluric, and continuously wishes to return to his original origin, because he belongs to another world.

The Persian poets who have particularly concerned the subject of heavenly ascension, have offered their own intellectual beliefs and exalted thoughts in the form of agreeable poems using enormous talent, understanding and religious beliefs and the influence of the Holy Koran. We also attempt to show some of the various effects of heavenly ascension on the Persian poem for much familiarity with the Persian poet's thoughts, beliefs and insights about this divine miracle.

**Key words:** Heavenly ascension, Holy prophet (p.b.u.h), heavenly ascension accounts, Persian poem

## "Sama'a" in Mawlavi's Masnavi and Sarraj's Alloma'a

*Abdollah Nosrati, Ph.D*

*Department of Persian Language and Literature Hamedan  
branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran*

*Farshad Arabi, Ph.D candidate*

*Department of Persian Language and Literature Hamedan  
branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran*

### **Abstract**

"Sama'a" is one of the most controversial categories in the domain of Islamic gnosticism and Sufism. In addition to its lexical meaning, "Sama'a" has gotten an idiomatic meaning in the realm of Islamic and Iranian teachings and learnings. Within Masnavi ma'anavi, which is the outcome of Hazrate Mawlana's ( love) madness and drunkenness, this concept fits Masnavi's stories and, half of its application is related to its idiomatic meaning.

Moreover, in the valuable book of "Alloma'a", the work of Abu Nasr Sarraj Toosi (Tavoos Alfoghara'a), as one of authentic and ancient sources of Islamic Sufism, we also see that "Sama'a" has been discussed in two separate places as one of the most reliable categories in the religion domain in a way that it has wholly covered Chapter ١٠ of the mentioned book. In this research, we have studied the stances of two Islamic and Iranian distinguished scholars on "Sama'a" in two distinct ages.

**Key words :** Sama'a, Mawlavi, Sarraj, Masnavi, Alloma'a

## Describing the Evil Aspects in Miniatures Tahmasbi's shahnameh

By

**Ebrahim Vasheghani Farahani**

Ph.D., Assistance Professor

Payame Noor University

**Nasim Yazdankhah**

Master's Candidate of Art Research

Payame Noor University

### **Abstract**

Ancient Aryans believed in two types of power, honesty and regularity, and dishonesty and irregularity. This idea was popularized by Zoroastrianism and included all being and its components and events. Zoroastrian innovations were a very important factor in the ancient gods, falling down and being driven to dishonesty and irregularity. A number of driven gods from godhood world, had entered epics and played the role of and sometimes protagonist. Most of *Shahnameh*, deals with war between honesty and dishonesty that always terminated by victory of honesty against dishonesty. Regarding importance of this historical literary work and the importance of its miniatures this article has attempted to study common literary and miniatures of dishonesty symbols in *Shahnameh* based on Tahmasebi's *shahnameh*.

**Key words:** Myths, Evil, *Shahnameh*, Demon, Dragon, Zahhak

## **CONTENTS**

<b>Describing the Evil Aspects in Miniatures Tahmasbi's shahnameh .....</b>	<b>v</b>
<i>Ebrahim Vasheghani Farahani/Nasim Yazdankhah, Ph.D</i>	
<b>"Sama'a" in Mawlawi's Masnavi and Sarraj's Alloma'a.....</b>	<b>^</b>
<i>Abdollah Nosrati, Ph.D/Farshad Arabi</i>	
<b>The Reflection of Holy Prophet's Heavenly Ascension in Persian Poem from the Beginning to the End of the ^th Century.....</b>	<b>^</b>
<i>Majid Hajizadeh, Ph.D</i>	
<b>Moral teachings of Sleep and Dreams and Its Impact on Mystic's Character Development.....</b>	<b>10</b>
<i>Mansour Pirani, Ph.D/ Fatemeh Azimi</i>	
<b>Hussein Monzavi's Innovation in Sonnet.....</b>	<b>11</b>
<i>Javad Taheri, Ph.D/Somayeh Soleymani</i>	
<b>The Attitude Foundations of Islamic Gnosticism in Hafez's Work.....</b>	<b>12</b>
<i>Mehdi Sharifian, Ph.D</i>	
<b>The Study of common theosophical Terms in Hadiqat ol-Haqiqeh and Manaqeb ol-Arefin.....</b>	<b>13</b>
<i>Sareh Yazdanfar</i>	
<b>Scrutiny and Comparison of Sohrab Sepehri's Utopia and Tahere Saffar zadeh,s Antiutopia.....</b>	<b>14</b>
<i>Khalil Hariri, Ph.D/Mohammad Ali Ziae Alishah</i>	

# **ADAB va ERFAN**

Persian Language and Literature Quarterly

Hamedan Branch, Islamic Azad University

**Vol. ۱۱ No. ۱۱**

**Summer ۱۴۰۲**



*In the name of God*



## راهنمای درخواست اشتراک فصلنامه علمی پژوهشی ادب و عرفان

در تنظیم و ارسال فرم اشتراک خواهشمند به موارد زیر توجه فرمائید.

1. فصلنامه ادب و عرفان در حال حاضر به صورت 4 شماره در سال منتشر می‌شود.
2. بهای هر شماره فصلنامه ادب و عرفان 40000 ریال می‌باشد.
3. هزینه پستی در داخل کشور بر عهده دفتر فصل نامه است ولی هزینه پستی به خارج از کشور بر عهده درخواست کننده می‌باشد که به بهای اشتراک اضافه می‌شود.
4. بهای اشتراک سالیانه را به شماره حساب 0106272358003 نزد بانک ملی به نام صندوق پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان واریز و رسید آن را به همراه فرم اشتراک زیر به پست الکترونیکی [adab.erfan@gmail.com](mailto:adab.erfan@gmail.com) و [adab.erfan@iauh.ac.ir](mailto:adab.erfan@iauh.ac.ir) ارسال و یا به آدرس همدان : شهرک شهید مدنی، بلوار امام خمینی (ره) بلوار پروفسور موسیوند، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان تلفن 14-4994000 صندوق پستی : 734 کد پستی: 65138 ارسال نمائید.
5. در صورت تغییر آدرس لطفاً آدرس جدید خود را به دفتر فصلنامه اطلاع دهید.

### فرم درخواست اشتراک

بارسال برگه‌ی بانکی به شماره ..... مورخ ..... به مبلغ ..... ریال متقاضی اشتراک فصل نامه ادب و عرفان از شماره ..... تا شماره ..... هستم.  
خواهشمند است فصلنامه درخواستی را به آدرس زیر بفرستید.  
نام و نام خانوادگی متقاضی یا موسسه‌ی متقاضی: .....  
آدرس : .....  
کد پستی : ..... صندوق پستی : .....  
تلفن همراه و ثابت : .....